

سبک زندگی رزمندگان و شهدای دفاع مقدس

غلامعباس رحمانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

چکیده:

رزمندگان و شهدای والا مقام بالاترین خدمت را با ارائه سبک زندگی متأثر از مکتب حسینی(ع) به جامعه اسلامی ایفا کرده‌اند. آنان از عزیزترین و بالاترین موهبت الهی یعنی جان خود، دست شسته و آن را آگاهانه تقدیم به اسلام نمودند. در این مقاله تلاش بر آن بوده است تا با تکیه بر ابعاد تاریخی، کلامی و عمدتاً از رویکرد جامعه‌شناختی، و با استفاده از روش سند پژوهی، آثار، نوشته‌های خاطرات و وصایای رزمندگان و شهدا، مورد توجه و بررسی قرار گیرند. سپس مهم‌ترین مصادیق سبک زندگی ایشان از جمله بصیرت بخشی، عدالت‌طلبی، دنیا‌گریزی و ساده‌زیستی، مسئولیت و ولایت‌پذیری، استقلال‌گرایی، شهادت‌طلبی، پاسداری از نظام و عامر به معروف و نهی از منکر، استخراج و معرفی شود. اعتقاد بر این است که رزمندگان و شهدای عالی‌ترین مظهر ارائه‌کننده سبک زندگی الهی - اسلامی بوده‌اند؛ فلذا می‌توان سیره و سلوک ایشان را به عنوان برترین الگوهای سبک زندگی اسلامی در کتب درسی نظام‌های آموزشی به فراگیران معرفی نمود.

واژگان اصلی:

رزمندگان، شهیدان، فرهنگ عاشورا، دفاع مقدس، سبک زندگی، برنامه درسی.

۱- دکترای جامعه‌شناسی، گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران و مدرس دانشگاه فرهنگیان

مقدمه

نهضت مقدس حضرت آقا اباعبدالله الحسین (علیه السلام) نهضتی قوی و حرکتی بسیار نیرومند بود و بدون شک به آثار و اهداف بزرگ خود نائل آمد؛ زیرا که این نهضت در یک زمان محصور نگشت، بلکه در طول ازمنه و امکانه فراوان مورد ستایش و تأثیرپذیری خیل عظیمی از جوانمردان و مبارزین انقلابی قرار گرفت. انقلاب اسلامی ایران که الهام پذیر این قیام و حماسه بی نظیر بود با الگو گرفتن از سید و سالار شهیدان و یاران وفادار کربلا توانست به پیروزی عظمی نائل آید. انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) به تربیت یاران وفادار و معتقد به ارزش‌های والای حماسه حسینی نائل آمد تا بدانجا که با تأسی به اهداف سیدالشهدا به احیا این نهضت بزرگ در قرن معاصر منجر شد. مقاومت تحسین برانگیز جوانان برومند این سرزمین در برابر استکبار جهانی، صحنه‌های بی بدیل و بی نظیری از شهادت و ایثار را خلق کرد که اگر به ضبط و ثبت و تفسیر و توزیع آن اهتمام نورزیم، به فرهنگ و تاریخ مردم این مرز و بوم، جفایی جبران ناپذیر روا داشته‌ایم. خلق این آثار اعجاب‌آور و حیرت‌انگیز که طبق فرمایش آن مقتدای سفر کرده، به جز در برهه‌ای کوتاه از صدر اسلام همانند ندارد و حجت را بر همگان تمام کرد (لاریجانی، ۱۳۸۸: ۳۳۵).

از طرف دیگر آموزش و پرورش که از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی می‌باشد و تا حدود زیادی بر حیات فردی و اجتماعی هر جامعه مؤثر است؛ نیازمند بررسی و تقویت مداوم مواد آموزشی غنی‌تر برای نیل به اهداف متعالی جامعه است. آموزش و پرورش با ارائه الگوهای نظری و رفتاری متعدد بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، نقش بسزایی را دارد. در این راستا پرسش اصلی این تحقیق این است که آیا سبک زندگی رزمندگان و شهدا را می‌توان به عنوان الگویی برای نسل امروز و فردای جامعه اسلامی معرفی نمود؟ اعتقاد بر این است: اگر سیدالشهدا اسلام را بیمه کردند شهدا نیز راه او را ادامه و اسلام را زنده نگهداشته‌اند و بدین ترتیب می‌تواند بهترین الگوی زندگی انسان‌هایی باشند که با پذیرش جهان بینی توحیدی، در مسیر خواست‌های الهی، گام بر می‌دارند.

روش مطالعه (روش‌شناسی)

به طور کلی می‌توان ابعاد مختلف مطالعه دوران دفاع مقدس را به شرح ذیل بیان کرد:

بعد تاریخی:

تاریخ می‌کوشد اصل ماجرا را آن طور که اتفاق افتاده روایت کند. در واقع این بعد، مهم‌ترین وجه در هر مطالعه دفاع مقدس است، چرا که اکنون، واقعه‌ای تاریخی محسوب می‌شود و هرگونه مطالعه درباره آن، کاملاً نیازمند اطلاعات تاریخی صحیح و کافی است.

بعد کلامی:

کلام علمی است که به دفاع عقلانی از گزاره‌های دینی می‌پردازد.

بعد جامعه‌شناختی:

جامعه‌شناسی در پی این است که تأثیر نیروی جامعه را که نیرویی مستقل از تک تک افراد و خارج از کنترل هر یک از آنهاست - بر کنش‌های افراد بسنجد و با اطمینان قابل قبولی بتواند وقایع اجتماعی آتی را پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر، «جامعه‌شناسی به دنبال یافتن قاعده کلی رفتار انسان‌هاست تا با کمک آن، توانایی پیش‌بینی و کنترل وقایع اجتماعی را بیابد و با به کارگیری تجربه علمی به کشف روابط میان پدیده‌ها نائل شود» (سعیدی رضوانی به نقل از توسلی، ۱۳۸۲: ۵۲)

روش مطالعه این تحقیق بر اساس دید و روش جامعه‌شناسی بوده است. فلذا از آنجا که جامعه‌ای را که موضوع مطالعه است با استفاده از منابع گذشته بررسی می‌کنیم، روش کار «روش تاریخی و تحلیلی» بوده و مطالعه ما در حوزه «مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی و معاصر» قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

انبیاء با فداکاری و مبارزه شبانه‌روزی به تبلیغ دین الهی پرداختند و با مخالفین و قدرتمندان جامعه وقت خویش به نبرد پرداختند. قرآن کریم در سوره «سبا» می‌فرماید: «و ما به هیچ

دهکده‌ای (شهری) بیم‌رسان و آگاه‌کننده‌ای نفرستادیم مگر اینکه بی‌نیازان و مسرفان آنجا گفتند: ما آئینی را که برای ابلاغ آن فرستاده شده‌اید منکریم و آن‌ها گفتند ما اموال و اولاد بیشتر داریم و ما عذاب نخواهیم شد».

پیامبر اسلام نیز قاطعانه در مقابل دشمنان و حتی مسلمانانی که احکام اسلام را گردن نمی‌نهادند، برخورد نمودند و برای اصلاح و خدمت به جامعه از هیچ کوششی دریغ نمودند. بعد از رحلت نبی اکرم (ص) نوبت به وارثان بر حق آنان یعنی ائمه اطهار (علیه السلام) و علماء و بزرگان رسید. امامان معصوم و پیروان راستین آن‌ها همواره مرگ سرخ را برگزیده و اصل مقدس شهادت در خاندان علی (علیه السلام) همچون میراثی گرانبها و راهکاری قوی و موثرتر از هر راهکار دیگر! از پدر به فرزند به ارث رسیده تا آن که امروز نیز رهروان ولایت و عاشقان امامت آن را به شکل عادت و رسمی حفظ نموده‌اند. امام سجاده (علیه السلام) فرمودند: «کشته شدن برای ما عادت است و شهادت در راه حق ارمغانی خدایی برای ماست». و اگر امام خمینی (ره) فرمودند: «شهادت هنر مردان خداست»، منظور مصداق همان دینداران بزرگی است که در آزمون‌های سخت مشاهده می‌شوند.

«فاذا معسویا البلاء قل الدیانون» (تحف العقول ۲۴۵/۵) چون دوران آزمایش فرا رسد دینداران اندک شوند.

منطق شهید، منطق سوختن و روشن کردن است. منطق حل‌شدن و جذب شدن در جامعه برای احیای جامعه است. منطق دمیدن روح به اندام مرده ارزش‌های انسانی است. منطق حماسه آفرینی است، منطق دورنگری بلکه بسیار دورنگری‌اش. هیچ وقت خون شهید هدر نمی‌رود. خون شهید به زمین نمی‌ریزد. خون شهید هر قطره‌اش تبدیل به صدها قطره و هزارها قطره بلکه به دریایی از خون می‌گردد و در پیکر اجتماع وارد می‌شود (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۰۱).

فرهنگ عاشورا

فرهنگ عاشورا مقابله با تحریف دین، مبارزه با ستم طاغوت‌ها و جور حکومت‌ها، عزت و شرافت انسان ترجیح مرگ سرخ بر زندگی ذلت بار، پیروزی خون بر شمشیر و شهادت بر فاجعه، شهادت‌طلبی و آمادگی برای مرگ؛ احیاء فریضه امر به معروف و نهی از منکر و سنت‌های اسلامی، فتوت و جوانمردی حتی در برخورد به خاطر رضای خدا، تکلیف برای چه

به صورت فتح یا کشته شدن! نماز اول وقت، آمیختن عرفان با حماسه و جهاد با گریه، صبر و مقاومت در برابر دشمن تا مرز جان و ایثار و... و بالاخره فرهنگ عاشورا «خط ولایت بر برائت» است! (محدثی، ۱۳۸۳: ۳۷۳).

دوران طلایی دفاع مقدس

جنگ صرفاً «تحمیل» وضعیتی بود که رژیم عراق بر جمهوری اسلامی ایران مستولی نمود. ایران انقلابی نه آمادگی لازم برای شروع و ورود در جنگ را داشت و نه این مسأله با هویت ملی ایران هم‌خوانی داشت. مبانی دینی نظام جمهوری اسلامی از یک سو بر قاعده جهاد تأکید دارد و از سوی دیگر آن را صرفاً بر مبنای دفاع می‌پذیرد و بحث «جهاد دفاعی» را مطرح می‌کند. عنوان دفاع مقدس برای جنگ تحمیلی دقیقاً بر همین مبنا مورد نظر بوده و هرگونه تهاجم برای نفس «تهاجم» محکوم می‌شود (صحیفه نور، ج ۷).

سبک زندگی

الف- معنای «سبک زندگی» در لغت‌نامه‌ها:

۱. روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ (لغت‌نامه وبستر، ۲۰۰۶)، روش خاصی از زندگی یک شخص یا گروه (لغت‌نامه آکسفورد، ۱۹۹۰).
۲. شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است، عادت، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که باهم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد. (لغت‌نامه رندم‌هاوس، ۱۹۸۷ به نقل از مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۳۳۲).

ب- مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی

تورستن ویلن^۱ گرچه مستقیماً درباره سبک زندگی صحبت نکرده است. اما این ایده را مطرح کرده که داشتن سبکی خاص به معنای چیزی بیشتر از علایق خاص فراغت است. داشتن سبک زندگی خاص و خودنمایی برای نشان‌دادن تعلق به گروهی خاص در جامعه به

1. Veblen

برجسته کردن تمایزهای گروه‌های دیگر منجر شده است (گیبیز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۲۴). او مبنای تحلیل خود را مصرف طبقه متوسط آمریکا قرار داده بود. ویلن در پی این مسئله بود که افراد چگونه منزلت اجتماعی کسب می‌کنند. به نظر وی، ثروت مهم‌ترین عامل کسب منزلت است که باید نمود خارجی داشته باشد و بهترین نمود آن مصرف تظاهری و نمایشی است. برای نمونه، افراد با نوع پوشش، آرایش و زیورآلات، خود و طبقه خود را از سایرین متمایز می‌کنند (ویلن، به نقل از فرجی و حمیدی، ۱۳۸۷: ۶۷).

زیمل^۱ پیرو فلسفه و مکتب جامعه‌شناسی، خود این تعابیر را بیشتر در قالب بحث در مورد صورت و سبک و تقابل آن با محتوا و زندگی ارائه می‌کند. او در جایی می‌گوید که سبک زندگی تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزش‌های بنیادی یا به تعبیری «فردیت برتر» خود در فرهنگ عینی‌اش و شناساندن آن به دیگران؛ به عبارت دیگر، انسان برای معنای موردنظر خود فردیت برتر، شکل (صورت)‌های رفتاری‌ای را برمی‌گزیند. زیمل، توان چنین‌گزینشی را «سلیقه» و این اشکال به هم مرتبط را «سبک زندگی» می‌نامد (زیمل، ۱۹۰۸: ۳۱۴).

او در جایی دیگر معتقد است سبک زندگی، عینیت بخشی به ذهنیات در قالب اشکال شناخته شده اجتماعی است؛ نوعی بیان فردیت برتر و یکتایی در قالبی است که دیگری (یا دیگران) این یکتایی را درک کنند (زیمل، ۱۹۹۰: ۹۳). در نتیجه، زیملی در عین پذیرش تمایز میان صورت‌ها (رفتارهای محتمل در چارچوب فرهنگی عینی) و معنا (فردیت برتر)، صورت‌های برگزیده و نحوه چینش آن‌ها را که همانا سبک باشد در ارتباط با معنا می‌بیند. اگر بخواهیم با برداشت از عبارت‌های متعدد زیمل، تعریفی را پیشنهاد کنیم.

این تعریف عبارت است از: سبک زندگی، کل به‌هم پیوسته صورت‌هایی است که افراد یک جامعه مطابق انگیزه‌های درونی و سلیق خودشان و به واسطه تلاشی که برای ایجاد توازنی میان شخصیت ذهنی و زیست محیط عینی و انسانی‌شان به انجام می‌رسانند، برای زندگی خود برمی‌گزینند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۳۳).

ویر^۲ بیش از ویلن و زیمل به سبک زندگی پرداخته است. ویر، در بحث طبقه، ایده مارکس مبتنی بر تمایز طبقات اجتماعی بر مبنای تولید را می‌پذیرد، اما مفهوم مصرف را نیز به آن

1. Simmel
2. Weber

می‌افزاید. اگر بپذیریم که مارکس در قرن نوزدهم جامعه را بر مبنای تولید طبقه‌بندی کرد، باید گفت که ویر در قرن بیستم طبقه را بر مبنای مصرف بخش‌بندی کرد. در مفهوم گروه‌های منزلتی ویر در هر طبقه نیز می‌توان سبک‌های زندگی متفاوتی را مشاهده کرد. تعریف ویر از سبک زندگی چنین است:

شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن‌گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت است. (سویل، ۱۹۸۱؛ به نقل از فاضلی، ۱۳۸۲:۲۸)

به بیان گیدنز، بازاندیشی یکی از مؤلفه‌های دنیای مدرن است. بدین معنا که دنیای مدرن یافته‌های حاصل از نظام‌های انتزاعی را مرتباً در سازماندهی مجدد خود به کار می‌برد. بازاندیشی عصر مدرن پویایی و تحرک بی‌سابقه‌ای به آن داده، به نحوی که در هیچ یک از فرهنگ‌های ماقبل مدرن وجود نداشته است. یکی از پیامدهای بازاندیشی در خویشتن، پیدایش سبک زندگی است. در فرهنگ‌های پیشامدرن هم شاهد وجود انتخاب‌هایی برای افراد هستیم؛ اما گزینه‌های گوناگون به هم شباهت دارند و دامنه و تعداد آن‌ها چنان محدود است که سبب می‌شود تنها سبک مشخصی برای زندگی در هر فرهنگی تعریف شده باشد و همه افراد متعلق به فرهنگ‌های یکسان به سبک تقریباً مشابهی زندگی کنند. در اینجا نکته مهم، تطابق همه افراد با ارزش‌های هم‌سان منبعث از فرهنگ واحد است و نه امکان انتخاب‌هایی که گاهی پیدا می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۸).

اما دنیای مدرن سبک‌های بسیار متنوع و متفاوتی را پیش‌روی هر فرد می‌گذارد و او ناگزیر می‌شود تا از میان آن‌ها برای هر عملی خود به‌گزینهش بپردازد. حتی اگر کسی بخواهد مطابق با فرهنگ سنتی زندگی کند، ناخواسته دست به‌گزینشی خاص می‌زند. بنابراین، در عصر مدرن، هر فرد به ناچار دارای نوعی سبک زندگی است که سبک ویژه خود او به‌شمار می‌رود. بدیهی است، این‌گزینه‌ها تأثیر عمیقی بر هویت فرد خواهد داشت و هویت او را ویژه و منحصر به فرد خواهد کرد. بنابراین، سبک زندگی هر فرد سهم بسزایی در ساختن روایت زندگی او خواهد داشت. اما: نکته مورد نظر این است که هر فرد برای انتخاب سبک زندگی خود کاملاً آزاد نیست و اسیر قید و بندهایی خواهد بود. همیشه انتخاب سبک زندگی صرفاً توسط فرد صورت نمی‌گیرد، بلکه گاهی این گروه‌های اجتماعی یا فشارهای اقتصادی‌اند که فرد را ناچار به‌گزینش می‌کنند. در انتخاب سبک زندگی هر فرد، دو عامل نقش درخور دارد: شانس‌ها و فرصت‌ها. این

دو عامل هم خود تحت تأثیر عوامل اجتماعی دیگری هستند. حاصل انتخاب سبک زندگی توسط هر فرد - چه به صورت اختیاری و چه به صورت اجباری - آن است که فرد به یکی از اقشار و گروه‌های اجتماعی - یعنی جمع کسانی که دارای سبک‌های زندگی مشابه او هستند - تعلق می‌یابد. بنابراین، انتخاب سبک‌های زندگی مقدمه‌ای بر گروه‌بندی‌های اجتماعی متفاوت است (گیدنز به نقل از فرجی و حمیدی، ۱۳۸۷: ۸۵).

اکنون با توجه به تعاریف و تفاسیری که صاحب نظران غربی از سبک زندگی کرده‌اند، باید بررسی کرد سبک زندگی رزمندگان و شهدا بزرگوار جامعه اسلامی بر کدامین پایه‌ها استوار شده است؟

مصادیق سبک زندگی رزمندگان و شهدا به پیروی از فرهنگ عاشورا

آموزه‌های قیام امام حسین (ع) فراوان است: احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر خدامحوری و خداجویی، مبارزه در راه تحقق عدالت، آمیختن کار فرهنگی با ایثار و از خود گذشتگی، مبارزه با استبداد و خودرأیی، احیای حکومت اسلامی، افشای باطل، عزت و مبارزه با طاغوت، برنامه‌ریزی و عمل به تکلیف (محدثی، ۱۳۸۷: ۵). هر چند در این مقاله مجال توضیح همه آموزه‌ها و نیز بیان همه مصادیق پیروی از مکتب آزادی بخش امام حسین (علیه السلام) نیست، اما به اختصار و به منظور بحث مورد نظر عناوین ذیل معرفی می‌شود:

۱- بصیرت بخشی با پیروی از مکتب عاشورا

حماسه حسینی (علیه السلام) برای همیشه در قلب و خاطره تاریخ باقی می‌ماند. این حماسه مقدس همیشه جوانان و آزاد مردانی مجاهد را برای مبارزه با یزیدان زمان تربیت کرده است. پیروی شهدا از حسین (علیه السلام) با ریخته شدن قطرات خون آن‌ها آشکار و مسلم شده است. شهادایی که به عشق شهادت، عملاً امام حسین (علیه السلام) را الگو قرار دادند، با شهادت و اهداء خون خود خط بطلان بر ستم و ظالمین کشیدند و برای تحقق آرمان‌های اسلام، عمل کرده‌اند. امام خمینی (ره) فرمودند: «شما که برای اسلام به پا خواسته‌اید و مال نثار می‌کنید، در صف شهدای کربلا هستید، چرا که پیرو مکتب آنانید» (صحیفه نور، ج ۷).

مکتب امام حسین (علیه السلام) سر آغاز مبارزات تاریخی همه آزادی خواهان و جوانمردان شد و

امروز مبارزه هر شهیدی را در جامعه اسلامی که مورد بررسی قرار دهید، حماسه امام حسین (علیه السلام) را منشأ جنبش و کارهای او مشاهده خواهید کرد.

«واسیلی توراجیف»، کارشناس سیاسی نشریه آسیا و آفریقایی (رموز) در کتابی که حاوی مقالات جمعی از متفکران روسی پیرامون انقلاب اسلامی ایران است می‌نویسد: «اعتقاد به دین الهی در کلیه برهه‌های انقلاب اسلامی ایران اصل برتری است که مانع ریشه‌دواندن خواسته‌های نفسانی در تغییرات اجتماعی جامعه اسلامی می‌گردد» (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ششم دی ماه، ۱۳۷۶).

زنده نگه داشتن یاد و نام و پیام‌های عاشورا حرکت‌ساز و رهایی‌بخش است. «اگر ما پیام امام حسین (علیه السلام) را زنده داریم، اگر نام امام حسین (علیه السلام) را بزرگ می‌شماریم، اگر این نهضت را حادثه عظیم انسانی در طول تاریخ می‌دانیم و برای آن ارج می‌نهمیم برای این است که یادآوری این حادثه به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو برویم و انگشت اشاره امام حسین (علیه السلام) را تعقیب کنیم و به لطف خدا به آن هدف‌ها برسیم و ملت ایران ان‌شاءالله خواهد رسید» (مقام معظم رهبری، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۹/۰۱/۲۶).

بنابراین ریشه فرهنگ انقلاب اسلامی مکتب عاشورای حسینی (علیه السلام) است و تاریخ این سرزمین بارها رنگ و بوی فراوان این مکتب را در ابعاد مختلف انقلاب اسلامی به خصوص قتل‌گاه‌های جنگ تحمیلی و شهادت طلبی‌های حسینی‌وار فرزندان مخلص این سرزمین سترگ مشاهده نموده است.

«سرورم! آمده‌ام تا در رکابت علیه کفر و ظلم و جهل بجنگم. با همه وجود آمده‌ام تا سوعاست. گروهی بزرگ از یزیدیان با تانک‌ها و توپ‌ها و زره‌پوش‌ها و ماشین‌های زیاد و سربازان فراوان در حرکتند. حق باطل رو به رو شده است. دشمن سیل‌آسا پیش می‌آید و من می‌خواهم مثل یکی از اصحاب تو در کربلا بجنگم» (یادنامه شهید چمران، ۱۳۷۱: ۲۷).

۲- عدالت طلبی و احیای حقوق فقر و محرومین

مکتب روشن بخش اسلام برای گسترش عدالت و رسیدگی به حقوق «درماندگان» سفارش فراوانی را به پیروان ارائه نموده است و در این میان، از اهداف جهاد با دشمن، یکی هم مبارزه با استکبار و سرمایه‌داری معرفی شده است. امروزه مکتب اقتصادی موسوم و موصول به

سرمایه‌داری، سود و بهره شخصی از ثروت و سرمایه‌اندوزی را در نظر دارد و به عبارتی اقتصاد مدرن تبلیغ می‌کند که به فکر فقرا نباشید، اما هر چه می‌توانید برای سرمایه و ثروت خود تلاش کنید. در حالی که دین اسلام ضمن اینکه تلاش و فعالیت اقتصادی را برای امرار معاش و تأمین نیازی مادی و در حد ضرورت و توصیه می‌کند اما همواره تأکید کرده است که فقرا، یتیمان و در راه ماندگان را فراموش نکنید. ستیز با ستم و ستمگران به ویژه حاکمان ستم و برپایی عدل یکی از درس‌های عاشورا در عرصه رفتار سیاسی است. عاشورا به ما می‌آموزد که انسان مسلمان نمی‌تواند در برابر ستم و ستمگران سکوت کند و بی‌تفاوت بماند؛ اگر سکوت کرد در حکم همان ستمکار است. امام حسین (علیه السلام) در یک سخنرانی که در منزل «بیضه» در برابر سپاهیان حر فرمودند: «ای مردم رسول خدا (ص) فرمود: اگر کسی حاکم ستمگری را ببیند که حلال خدا را حرام می‌کند، عهد و پیمان الهی را می‌شکند، و با سنت رسول خدا مخالف است، و با بندگان خدا به ستم و بیدادگری رفتار می‌کند، پس با گفتار و کردار در برابرش نایستد بر خداست که این فرد را نیز با همین حاکم ستمکار محشور کند» (تاریخ الامم و الملوک، طبری، ج ۴ ص ۳۰ به نقل از مزینانی).

روایات و احادیث بی‌شماری در این خصوص آمده است که برای جلوگیری از اطاله کلام از بیان آن‌ها خودداری می‌شود. امام خمینی (ره) معمار بزرگ انقلاب اسلامی در این خصوص اشاره می‌کنند: «ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون خود دفاع خواهیم کرد» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۵۴: ۱۳۷۰).

۳- دنیا‌گریزی و ساده‌زیستی

یکی از مظاهر سبک زندگی چگونگی پوشش و مصرف کالاهای مادی است. از دید متفکرین غربی سبک زندگی مدرن را عمدتاً در این مبانی می‌بایست جست‌وجو کرد. بورديو در کتاب «تمایز» (۱۹۸۴) شیوه‌هایی را تحلیل کرد که گروه‌ها هم رده و هم طبقه خود را به وسیله آن، از الگوهای مصرفی گروه دیگر متمایز می‌کنند. بورديو نشان می‌دهد که چگونه گروه‌های خاص، به ویژه طبقات اجتماعی اقتصادی، از میان انواع کالاهای مصرفی، روش‌های لباس پوشیدن، غذا خوردن، آرایش کردن، مبلمان و تزئین داخلی منزل و انتخاب‌هایی را انجام می‌دهند تا روش زندگی مجزای خود را مشخص و خود را از دیگران متمایز کنند. بورديو شیوه‌هایی را

تحلیل کرد که گروه‌های مختلف خود را به وسیله آن از الگوهای مصرفی که شیوه زندگی یک گروه را مشخص می‌سازد، متمایز می‌کنند (فاضلی به نقل از فرجی و حمیدی، ۱۳۸۷: ۸۷). اما در میان تعالیم دینی از «دنیا» با تعابیر مختلفی یاد می‌شود؛ گاهی مورد مذمت بسیار قرار می‌گیرد و گاهی مورد ستایش. لذا قبل از همه لازم است برای فهم ماهیت «دنیا»، از نصوص دینی پرسش کنیم و نظر دین و بزرگان آن را در این باره جویا شویم. در برخی از نصوص دینی «دنیا» مورد توجه قرار گرفته است؛ طوری که مولای متقیان علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«... وَ إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الِاعْتِبَارِ وَ يَفْتَتُّ مِنْهَا بِبَطْنِ الِاضْطِرَارِ...» (نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۳۹۷). بنابراین، دنیا عبرت‌کده است و بهره‌وری از آن در حد نیاز و ضرورت، مفید است. معبر آخرت ما دنیا است، پس باید از این معبر خوب استفاده کرد.

اما آیاتی هم در قرآن کریم وجود دارد که «دنیا» را نکوهش می‌کند، از جمله: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» دنیا جز متاع فریبا و غرور چیزی نیست. (سوره آل عمران، آیه ۱۸۵)

«وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ» دنیا جز بازیچه کودکان و هوسرانی بی‌خردان نیست (سوره انعام، آیه ۳۲).

یادآوری می‌شود دنیای مذموم، دنیایی است که به هنگام تعارض و تزاخم با آخرت، ترجیح داده می‌شود. کافران، مشرکان، منافقان و دنیاپرستان، کسانی هستند که آخرت را فدای دنیا می‌کنند.

در روایات دیگری این چنین آمده است: «فیما أوحى الله تعالى إلى موسى (عليه السلام) اعلم أن كل فتنه بذرها حب الدنيا»، در آنچه خداوند به حضرت موسی وحی کرده است؛ بدان! بذر تمامی فتنه‌ها دنیا دوستی است (میزان الحکمه، ج ۳: ۲۹۴)

«حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَ أَسْلُ الْمِحَنِ»، دنیا دوستی سرمنشأ فتنه‌ها و مایه رنج‌هاست (میزان الحکمه، ج ۳: ۲۹۵).

برای مبارزه در راه خدا شرایطی وجود دارد که تحصیل آن لازم است و موانعی نیز هست که پرهیز از آن‌ها واجب می‌باشد. اما مهم‌ترین رکن و اصلی‌ترین شرط، همان تجارت دنیا و آخرت است؛ یعنی فروش دنیا و خرید آخرت؛ و منظور از دنیا که رأس هر خطیئه است، همان توجه به غیر خداست، زیرا همان‌طور که آخرت درجاتی دارد، دنیا نیز درکاتی دارد که

بعضی از برخی دیگر فروتر و پست تر می باشد. شرط اصلی جهاد در راه خدا، همانا اجتهاد در تشخیص دنیا با همه درکات، و تمیز آخرت با همه درجات آن است و همچنین اقدام به داد و ستد و از دست دادن دنیا که در حقیقت رهایی از درکات آن است.

قرآن کریم در این باره در سوره توبه، آیه ۲۴ می فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»، ای رسول! بگو ای مردم اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود و اموالی را که جمع کرده و مالالتجاره ای که از کسادى آن بیم دارید و منازلی که به آن دل خوش کرده اید، پیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می دارید، پس منتظر باشید تا فضای حتمی خدا جاری گردد که خداوند قوم فاسق بدکار را هدایت نخواهد کرد» (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۰۲/۲۶، به نقل از لاریجانی، ۱۳۸۸: ۳۵۰).

شهید چمران از مردان الهی بزرگ در مورد دنیا می فرماید: «اکنون حیات آن قدر در نظرم پست شده است که به خاطر جان خود با هستی همه دنیا حاضر نیستیم حقی را زیر پا بگذارم یا دانه ای را به زور از موری بستانم و یا در ادای کلمه حق، از مرگ یا چیزی و یا کسی وحشت کنم، بلکه دست از جان شسته، خود به پیشواز حوادث آمده ام و همه هستی خود را خالصانه تقدیم کرده ام» (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۰۲/۲۶، به نقل از لاریجانی، ۱۳۸۸: ۳۵۱).

سردار شهید همت از کسانی است که دنیا را خوب برای ما تعریف می کند. ایشان خطاب به والدین خود می گوید:

«پدر و مادر فرهمند و مهربان! واضح است که من هم چونان مردان عادی زندگی را دوست دارم؛ دنیا چیزی نیست که انسان از آن روی گردان باشد. وقتی که پیامبر (ص) دنیا را کشتزار سرای باقی می داند: «الدنيا مزرعة الآخرة» چگونه می شود من، از این مزرعه پر بار بیزار گردم. لکن دل به دنیا بستن را نمی پسندم، خویشتن را به دنیا نمی آلام، خود را سرگرم این دنیای فانی و گذرا نمی سازم، از جهان ابدی و از نعمت های بی کران جنات عدن "غفلت نمی ورزم و شخصیت حقیقی خود را که مقام خلیفه الله است، به ورطه فراموشی نمی سپارم. پدر و مادر من! من زندگی را دوست دارم، ولی نه آنقدر که آلوده اش شوم و خویشتن را گم کنم. علی وار زیستن و حسین وار شهید شدن را دوست دارم. الگویی یک مؤمن، از بند هوی و هوس رستن

است و من این الگو را نیز دوست دارم» (ره یافتگان وصال، ۲۱).

سردار شهید حسین خرازی علاوه بر این که به مال دنیا بی‌اعتنا بود، هیچ وقت به مقام و منصب هم دلبستگی نداشت و می‌گفت: «مقام فایده‌ای ندارد، من علاقمندم که بی‌آلایش همیشه در میان بسیجی‌ها باشم و به درد دل آن‌ها برسم»، به همین لحاظ اغلب شب‌ها به سنگرها یا خوابگاه‌ها سرکشی می‌کرد. اصولاً حاج حسین، رزمنده‌ای متقی و خدا ترس بود؛ هر چه می‌کرد برای رضای خدا بود؛ هر لحظه آماده شهادت بود. بعد از عملیات خیبر که دستش قطع شده بود، به دیدارش رفتم؛ به من گفت: «ما در این دنیا هیچ کار عمده‌ای نداریم، جز «جهاد فی سبیل‌الله» و سرانجام هم در این راه به دیگر دوستان و رفقای پیوست. شهید خرازی در لباس پوشیدن چنان ساده بود که از هر لباس خود مدت زیادی استفاده می‌کرد، به حدی که کهنه می‌شد. وقتی به ایشان اصرار می‌کردند که لباس جدیدی بگیرد، می‌گفت:

«درست است که من اختیار دارم به اندازه نیازم از بیت المال مسلمین بردارم، اما به خودم اجازه نمی‌دهم و تا حد امکان از همین لباس‌ها استفاده می‌کنم» (اقتباس از لاریجانی، ۱۳۸۸: ۳۵۷).

۴- مسئولیت‌پذیری در راستای احیای ارزش‌های فرهنگ عاشورایی

اساسی‌ترین هدف قیام کربلا آن بوده است که با مجاهدت عاشوراییان، بدعت‌ها و جاهلیت‌ها را از بین برده و دین اسلام عزت اساسی خویش را بازیابد. «... انا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّيَّتْ وَ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتَ فَإِنْ تَسَمَّعُوا قَوْلِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ»، من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر فرا می‌خوانم. همانا سنت، مرده و بدعت زنده شده است. اگر سخنم را بشنوید و فرمانم را پیروی کنید، شما را به راه رشاد، هدایت می‌کنم (تاریخ طبری، ج ۴: ۲۹۹).

همچنین امام در جای دیگر از انگیزه نامه‌نگاری و دعوت کوفیان، این‌گونه یاد می‌کند: «إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ كَتَبُوا إِلَيَّ يَسْأَلُونَنِي أَنْ أَقْدِمَ عَلَيْهِمْ لِمَا رَجَوُا مِنْ إِحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ وَإِمَاتَةِ الْبِدْعِ»، کوفیان به من نامه نوشته و از من خواسته‌اند که نزد آنان روم، چرا که امیدوارم نشانه‌های حق زنده گردد و بدعت‌ها بمیرد (الآخبار الطول دینوری، ۲۶۹).
نه تنها حضرت امام حسین (علیه السلام) بلکه یکایک امامان شیعه، رسالت احیاء دین را داشته‌اند و

هر یک از مظاهر اسلام را که از یاد می‌رفته یا تحریف می‌شده است در چهره راستین و بی‌تحریفش می‌نمایانده‌اند. حتی درباره امام زمان (عج) نیز تعبیر «محبی شریعت» و از بین برنده «بدعت» به کار رفته است و در دعا از خداوند می‌خواهیم که به دست آن منجی موعود آنچه را که به دست ظالمان از معالم و نشانه‌های دین و دینداری از میان رفته و مرده است، زنده می‌سازد: «وَ أَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ» (صحیفه سجادیه، دعای ۶۷).

در دعای دیگری، خواستار ظهور آن حضرت و احیای سنت‌های پیامبران و تجدید ابعاد از میان رفته دین و احکام تغییر یافته می‌شویم (مفاتیح الجنان، دعا برای امام زمان (عج)).

امام خمینی (ره) می‌فرماید: سیدالشهدا چون دید این‌ها دارند مکتب اسلام را آلوده می‌کنند، با اسم خلافت اسلام، خلافت‌کاری می‌کنند و ظلم می‌کنند و این منعکس می‌شود در دنیا که خلیفه رسول الله است که دارد این کارها را می‌کند، حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند و محو کنند آثار معاویه و پسرش را (صحیفه نور، ج ۸: ۱۲).

همچنین می‌فرمایند: شهادت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) مکتب را زنده کرد. خودش شهید شد، اما مکتب اسلام زنده شد و رژیم طاغوتی معاویه و پسرش را دفن کرد (صحیفه نور، ج ۸: ۱۴). و در اینکه نهضت کربلا احیاگر ارزش‌های اساس دین مقدس اسلام بوده است، می‌فرمایند: «سیدالشهدا (علیه السلام) به داد اسلام رسید، سیدالشهدا (علیه السلام) اسلام را نجات داد» (صحیفه نور، ج ۸: ۱۰).

بسیجان حزب الهی و شهدا عظام ایران اسلامی نیز با «بی‌ریایی» و با هدف پیروزی حق بر باطل در هر برهه‌ای از زمان، به‌خصوص در دهه‌های معاصر، برای احیاء مجدد اسلام (اسلامی که به فراموشی سپرد شده و یا رنگ و لعاب‌هایی شخصی و سیاسی به معنای آنچه که سران طاغوت می‌خواستند، یعنی همان اسلام آمریکایی گرفته بود) به پا خاستند و مال و جان خود را به اسلام هدیه دادند. آنان بزرگ‌ترین مسئولیت را در این راه بر عهده گرفتند و به خوبی هرچه تمام‌تر نیز در اداء آن کوشیدند. مسئولیتی که شهدا به انجامش رسانیدند جهاد و نبرد خونین تا مرز شهادت با دشمنان اسلام بوده است. آری انقلاب ما انقلاب ارزش‌ها بوده است. ارزش‌های اسلامی «انقلاب اسلامی یعنی راهی که هدف آن اسلام و ارزش‌های اسلامی است و انقلاب و مبارزه صرفاً برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد» (شهید مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی).

یکی از شهدای انقلاب اسلامی می‌گوید: «خدایا تو میدانی که هدف ما شهادت نیست بلکه پیروزی در راه توست. اگر توانستیم می‌کشیم و اگر نتوانستیم کشته می‌شویم و تو ای امام از ما راضی باش که برای احیای دین از میهن اسلامی تمامی اعضاء و دل و جانمان را هدیه می‌دهیم» (از وصیت نامه شهید نوروز علی قربانیان - تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۰۲/۱۸ - جزایر مجنون) و یا این کلام که: «اینجانب از آنجا که فرد مسئول و دفاع از اسلام و میهن عزیز را یک وظیفه شرعی و اسلامی می‌دانم به جبهه‌های جنگ آمده‌ام تا دست غارتگران را از سرزمینمان کوتاه کنم» (از وصیت نامه شهید علی باقری - خوراسگان، اصفهان).

یکی دیگر از شهدای عزیز می‌گوید: «پدران و مادران شهدا، فرزندان شما به خاطر اسلام شهید شدند صبر و استقامت پیشه کنید از اسلام دفاع کنید. مزد شما پیش خداست که در روز قیامت سرفرازید» (از وصیت نامه شهید فرامرز علی حسینی - تاریخ شهادت ۱۳۶۳/۰۲/۱۳ - جزایر مجنون).

۵- تقویت روحیه خودباوری و استقلال در برابر بیگانگان

از خدمات برجسته دیگری که شهدای انقلاب اسلامی و بسیجیان خونین کفن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به ملت ایران ارائه کرده‌اند، ایجاد حس استقلال‌طلبی و تقویت روحیه باورداشت خود و توانایی‌های ذاتی کشور در برابر قدرت‌های شیطانی است. به قول شهید مطهری: «نهضت ما توانست به مردم بگوید که شما خود یک مکتب و یک فکر مستقل دارید؛ خود می‌توانید بر روی پایه خود بایستید و تنها به خود اکتفا داشته باشید».

ثمره خون شهدای استقلال و حریت از سلطه بیگانگان بر جامعه است. «طلوع سپید آزادی» در وری «شب‌های اسارت و پایمردی» رخ داد. آزادی از شرق و غرب جهان و ایجاد مبارزه زمینه مناسب برای رشد و توسعه به آسانی بدست نیامد بلکه با جوانمردی و تقدیم خون‌های پاک و مطهر شهدا به وقوع پیوست. وقتی امام می‌فرمایند که: «رهبر ما آن طفل سیزده ساله ای است که با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز، شربت شهادت نوشید» یعنی شهدای خود را فدای آرمان‌هایشان کرده و از این همه مدیون آن‌ها هستیم. شهید مصطفی چمران در مورد رهبری حضرت امام خمینی (ره) می‌گوید:

«این انقلاب بزرگ و تاریخی را ابرمردی رهبری می‌کند که در تاریخ بی‌نظیر است. ایمان به

پاکی و تقوا و فداکاری و پایداری او را نظیری نیست. اگر همه راهبران انقلابی دنیا را سر هم بگذارند، از یک موی رهبر عالیقدر انقلاب ما کمتر هستند. این انقلاب صورت گرفته است تا ریشه‌های استثمار و استبداد و استعمار را بسوزاند؛ عدالت اجتماعی را تأمین کند؛ فقر و جهل و ظلم و فساد را از بین ببرد؛ ستم‌ها و محرومیت‌ها و ناراحتی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را که قرن‌ها بر این کشور سیطره داشته است، نابود کند» (شهید چمران: خاطرات کردستان، ۱۵).

۶- تقویت روحیه شهادت طلبی و شجاعت گستری در بین بازماندگان

ابوحزمه ثمالی نقل کرده که گفت: از زین العابدین (علیه السلام) شنیدم که فرمود: پدرم در شب آن روزی که به شهادت رسید خاندان و یاران خود را گرد آورد و فرمود: «خاندان و شیعیان من! این شب را مرکب راهوار خود قرار دهید و بروید که اینان جز آهنگ مرا ندارند و چنان که مرا بکشند به شما نیندیشند. خدا رحمت‌تان کند، خود را برهانید که شما از بیعت و پیمانی که با من بسته‌اید آزاد و در رخصتید».

برادران و خاندان و یاران امام (علیه السلام) همه به یک زبان عرض کردند: «ای سرور ما ابا عبدالله! به خدا سوگند ما تو را هرگز تنها نمی‌گذاریم. نه به خدا سوگند، آیا مردم بگویند: امام و بزرگ و سرور خود را تنها گذاردند تا کشته شد و میان ما و خدا عذری راه انداختند؟! ما دست از یاری تو برنداریم تا در رکاب تو کشته شویم».

توصیف روحیه شهادت طلبی یاران وفادار امام حسین (علیه السلام) از حد و حصر این مقاله و بضاعت نگارنده به دور است، اما در این شکی نیست که از دیگر فضائل و برکات خون شهدا معزز اسلام، تقویت روحیه شهادت و شهامت در بین مردم است. اصلاً از توجهات حضرت حق یکی هم این است که حاصل خون شهدا بی نتیجه نخواهد بود بلکه فداکاری و مهیا شدن برای نبرد بیشتر با دشمنان را بدنبال دارد.

حضرت امام در جلسه ویژه شهادت مرحوم مطهری^(ره) چنین گفته‌اند: «برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توأم با شهامت بوده، قتال در راه خدا راه مستضعفین در رأس برنامه‌های اسلام است. به قول قرآن کریم، سوره نساء آیه ۷۵، «وَمَا لَكُمْ لَأ تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ...»، از هر خون شهیدی که بر زمین می‌ریزد، انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه

خدا مهیا هستیم...».

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، بیان نموده‌اند که: «در شب هفتم یکی از برادران شهید در اهواز شرکت کردم. میان این جوان‌ها حتی مردان میانسال، وقتی نگاه بر چهره آن‌ها می‌کردم با همه دل احساس می‌کردم که دارم شهدای کربلا را زنده در مقابل خود می‌بینم این حماسه آفرینان جهان امروز این کسانی که حاضرند گرسنگی بکشند و مقاومت بکنند و اما آنچه را که به نظرشان خلاف رضای خداست انجام ندهند...» (سخنرانی ۱۳۵۹/۰۸/۲۷ در مشهد مقدس).

آری روحیه شهید پروری همراه با آموزش شهادت و تقویت شجاعت و بیباکی است که باعث شد شهدا شجاعانه بجنگند و بی پروا در مقابل دشمن ایستادگی کنند.

حمیدرضا همت به امام حسین (علیه السلام) ارادت خاصی داشت. بیشتر اوقات از امام حسین (علیه السلام) و رشادت‌های او در روز عاشورا می‌گفت. بارها از زبان خودش شنیدم که می‌گفت: «ای کاش با تو بودم یا حسین (علیه السلام)!».

فرمانده گردان به من و ایشان و برادر محمدرضا تورجی‌زاده دستور داد تا سنگر کمینی را نزدیک عراقی‌ها حفر کنیم و همانجا مستقر شویم. مدتی گذشت دشمن متوجه حضور ما شده بود و باید در همان مکان می‌ماندیم و با کشتی‌های دشمن درگیر شده و از نفوذ آنان به جبهه اسلام جلوگیری می‌کردیم تا اینکه یکی از گلوله‌های خمپاره دشمن نزدیک سنگر ما اصابت کرد و سر از بدن پاک برادر حمیدرضا همت جدا گشت. جسد او را با مشکلات فراوان به عقب آوردیم. شب بعد، برادر تورجی‌زاده در خواب، شهید همت را می‌بیند که می‌گفت: «آرزو داشتم مانند امام حسین (علیه السلام) به شهادت برسم که به حمد خدا رسیدم، اما سر امام مفقود نشد پس سر مرا با جنازه‌ام به عقب بفرستید!». فلذا شب بعد بچه‌ها دوباره جلو رفته و سر این شهید را پس از دو ساعت جستجو یافته و به عقب انتقال دادند! (مجموعه خاطرات، ص ۷۵ به نقل از مرتضی عبدالوهابی)

۷- برترین نمونه‌های ولایت‌پذیری

حضرت عباس بن علی (علیه السلام) که به حق می‌بایست ایشان را بزرگترین مظهر و الگوی کامل ولایت‌پذیری و اطاعت از رهبری دانست، هرگز سر از فرامین فرماندهی برنتافت و با ارائه سیمای زیبایی از اطاعت و شکوه و دلاوری سرمشق تمام جوانمردانی شد که از خود گذشتند

تا به امام و رهبر زمانه‌اشان فریاد لیبیک برآوردند.

همچنین جلوه ولایت‌پذیری مسلم بن عقیل (علیه السلام) در حوادث مربوط به نهضت خونین حضرت سید الشهداء (علیه السلام) بسیار قابل تأمل است. وی به امر امام حسین (علیه السلام) همراه با تنی چند از سران کوفه از مکه برای ارزیابی اوضاع این شهر به آن منطقه اعزام شد. مسلم بن عقیل (علیه السلام) در بدو ورود به کوفه به دیدار بزرگان شیعه رفت. وی با توجه به استقبال آشکار مردم کوفه از نهضت امام حسین (علیه السلام) به آن حضرت نامه‌ای نوشت و عرضه داشت: «ای پسر رسول خدا! به سوی کوفه حرکت کن که اینان آماده پذیرش امامت و رهبری شما هستند».

مردم بی‌وفای کوفه، بدن مطهر مسلم را در بازار به قناره‌های قصابی در بازار قصابان بستند و در شهر به طرز توهین‌آمیزی بر روی زمین می‌کشیدند. مسلم بن عقیل (علیه السلام)، اولین قربانی نهضت خونین کربلا شد. وی به همه عالم درس آزاد مردی و ایستادگی در برابر ظالمان تاریخ را آموخت. او به خاطر رشادت و صداقت در راه ولایت پیروز همیشگی تاریخ است. مسلم بن عقیل (علیه السلام) الگویی برای مدعیان دفاع از ولایت است (سایت پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس در محرم ۱۴۳۴ ه.ق).

شهدا انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس نیز به پیروی از فرامین حضرت امام خمینی (ره) - نایب بر حق امام عصر (عج) - به جبهه شتافتند و لحظه‌ای به‌سواس شیطانی و بوغ‌های تبلیغاتی دشمنان قسم خورده انقلاب، گوش نداده و یک دل و یک جان، به پیمان خود با خدای تعالی مبنی بر اطاعت از او و جان‌نشینانش بر زمین، عمل کردند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رزمندگان ما در دوران دفاع مقدس، ولایت‌پذیری آن‌ها بود. آنان دریافته بودند که ولایت، حیات طیبه است؛ حیاتی که با درک و اطاعت ولایت نصیب انسان می‌شود و نسیم دل‌انگیز این حیات از آیات شریف قرآنی، روح و جان آن‌ها را نوازش می‌داد، زیرا قرآن می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ندای دعوت خدا و رسولش را اجابت کنید، زیرا شما را زنده می‌کند (سوره انفال، آیه ۲۴).

بنابراین، ولایت، سلطه نیست، بلکه مربی است. ولایت چیزی از انسان نمی‌ستاند، بلکه همه

چیز به انسان می‌دهد. ولایت، انسان را تعریف می‌کند و به او حریت و آزادگی و صلابت می‌بخشد. ولایت، در واقع حق‌مداری است و جویندگان حق را هدایت می‌کند. ولایت، پرتوی از حکومت خدا بر روی زمین است و در پرتو آن، خدامداری و عدالت‌خواهی تحقق پیدا می‌کند. ولایت، روحیه ستیز با دشمنان را در انسان می‌دهد و عزت اجتماعی و سیاسی کشور را تضمین می‌کند. اینک درس اطاعت‌پذیری از قیام ولایت را از رزمندگان اسلام می‌آموزیم تا دریابیم که چگونه ولایت به صورت جوهر مقاومت و ایثار در حماسه رزمندگان ما درخشیده است (لاریجانی، ۱۳۸۸: ۳۴۲).

سردار شهید حاج همت در مورد ولایت امام خمینی (ره) می‌گوید:

«مادر! جهل حاکم بر یک جامعه، انسان‌ها را به تباهی می‌کشد و حکومت‌های طاغوت مکمل این جهلند و شاید قرن‌ها طول بکشد که انسانی از سلاله پاکان زاییده شود و بتواند رهبری یک جامعه سر در گم و سر در لاک خود فرو برده را در دست گیرد و امام، تبلور سلاله ادامه‌دهندگان راه امامت و شهادت است. کلام او الهام بخش روح پرفروش اسلام در سینه و وجود گنبدیده من بوده و هست» (حکایت سرخ، ۱۳۷۵: ۹۰).

اینک فراهایی از وصیت‌نامه سردار شهید مهدی باکری را که صفابخش جان است و از مظاهر ولایت‌پذیری کامل این شهید بزرگ است می‌آوریم:

«سلام بر روح خدا، نجات‌دهنده ما از عصر حاضر؛ عصر ظلم و ستم، عصر کفر و الحاد، عصر مظلومیت اسلام و پیروان واقعی‌اش. عزیزانم! اگر شبانه روز شکرگذار خدا باشیم که نعمت اسلام و امام را به ما عنایت فرموده، باز کم است. آگاه باشیم که سرباز راستین و صادق این نعمت شویم. خطر و سوسه‌های درونی و دنیا فریبی را بشناسیم و برحذر باشیم که صدق نیت و خلوص عمل، تنها چاره ساز ما است... بایستی محتوای فرامین امام را درک و عمل کنیم تا بلکه قدری از تکلیف خود را در شکرگذاری به جا آورده باشیم. وصیت من به مادرم و خواهران و برادران و اهل فامیل: بدانید اسلام تنها راه نجات و سعادت ماست؛ همیشه به یاد خدا باشید و فرامین خدا را عمل کنید و از ته قلب پشتبانی و مقلد امام باشید» (حکایت سرخ، ۱۳۷۵: ۹۱).

سردار شهید حاج حسین خرازی در مورد ولایت امام خمینی (ره) می‌گوید:

«کاری به خط و خط بازها نداشته باشید؛ ببینید امام چه می‌گوید، مسیر امام کدام است، اگر

قبول داریم که امام ولی فقیه هستند، که مسلماً هستند، پس ما باید با او باشیم؛ هر چه گفت، همان را بپذیریم؛ هر که را انتخاب کرد، همان را قبول کنیم. اگر نماینده‌ای را برای منطقه‌ای برگزید، مطیع نماینده او باشیم. اگر کسی مسئولیتی دارد، از برکت خون شهدا دارد؛ از وجود نازنین امام دارد؛ ما درباره سیاست باید به او اقتدا کنیم» (لاریجانی، ۱۳۸۸: ۳۶۳).

۸- رشد و ترویج مکارم اخلاقی (ارزشی) و سجایای رفتاری

از برکات دیگر پیروی از فرهنگ عاشورا که خصوصاً در دوران دفاع مقدس خود را بیشتر نشان داد رشد فضایل اخلاقی و معنوی در افراد و تقویت ارزش‌های اجتماعی بود. ارزش‌ها یکی از عناصر برجسته و تأثیرگذار فرهنگ است و فرهنگ نیز به مثابه هوایی است که بدون آن تنفس اجتماعی ممکن نخواهد بود.

در نگاه جامعه‌شناسان، فرهنگ، خشت‌های بنای اجتماعی است و ارزش‌های ملاط آن؛ زیرا اجزا و عناصر فرهنگ تحت تأثیر مستقیم ارزش‌ها قرار دارند. ارزش‌ها، باور داشت‌های ریشه داری‌اند که اعضای جامعه یا گروه، به هنگام برخورد با پرسش‌ها درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و امور مطلوب، آن‌ها را در نظر می‌گیرند (بروس کوئن، ۱۳۷۰: ۴۸).

البته دینی بودن ارزش‌ها منافاتی با اجتماعی شدن آن‌ها ندارد و آن هنگامی است که ارزش‌های دینی توسط غالب افراد جامعه پذیرفته شده و رفتار و اعمال آن‌ها بر پایه ارزش‌های دینی شکل گیرد. چنین ارزش‌هایی که رنگ دینی دارند، از ثبات و دوام برخوردارند. در غیر این صورت، هر ارزش اجتماعی‌ای نمی‌تواند به مثابه ارزش‌های دینی کارایی داشته و افراد اجتماع را آسوده خاطر سازد؛ چرا که در ارزش‌های اجتماعی میلی و خواست اکثریت گروه ملاک است، اما در ارزش‌های دینی ملاک انسانیت بوده و در فرهنگ دینی افراد از حقوق اجتماعی یکسانی برخوردارند.

به این ترتیب، ارزش‌های دینی برای جوامع انسانی امری حیاتی و ضروری است. بدیهی است که احیای این ارزش‌ها، موجب بالندگی جوامع و نشاط زندگی اجتماعی افراد خواهد بود. بی تردید یکی از پیامدهای مهم و برجسته قیام عاشورا، احیای ارزش‌های اسلامی و انسانی است. این حادثه عظیم توانست جامعه نبوی را از آن رخوتی که پس از عروج ملکوتی رسول خدا(ص) پدید آمده بود، بیرون آورده و به جامعه‌ای بالنده تبدیل کند. در ذیل به دو مورد از

ارزش‌های اسلامی و انسانی اشاره می‌گردد:

الف) احیای روحیه شهادت طلبی (که در این مورد توضیح کافی داده شد).

ب) معرفی گروه مرجع: بی‌تردید آن هنگام که رسول خدا (ص) علی‌رغم تب شدید خود، به کمک امام علی (علیه‌السلام) و سلمان فارسی عزم مسجد کرده و بر فراز منبر خطاب به مردم فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي...»

تأکید فراوان پیامبر اکرم (ص) بر گرایش و مودت مردم به عترت، از منظر جامعه‌شناختی بسیار مهم و اساسی است؛ زیرا در نگاه جامعه‌شناختی، مردم همواره در پی الگویی مناسب و راهگشا برای رفتار فردی و گروهی خود هستند. به تعبیر جامعه‌شناسان، انسان‌ها به دلایل مختلف عموماً خود را در زمینه‌هایی با عده‌ای مقایسه و ارزیابی می‌کنند. در این فرایند، انسان ارزش‌ها و الگوهای عمل افراد یا گروه‌های دیگر را به عنوان یک قالب مقایسه‌ای مرجع می‌گیرد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۳).

بدیهی است هر فردی در زندگی فردی و اجتماعی خود نقشی ایفا می‌کند و اسلام نیز به عنوان مکتبی سعادت‌بخش برای پیروان خود در زندگی فردی و اجتماعی‌شان نقش‌هایی را معین نموده است که مسلمانان باید به ارزیابی ایفای نقش خود بپردازند. این‌جاست که افراد به گروه مرجع نیاز دارند تا با مراجعه به آن ارزیابی نقش فردی و اجتماعی خود بپردازند؛ زیرا گروه مرجع «یکی از معیارها و الگوهایی است که هر کس هنگام ارزیابی نقش خود در یک موقعیت معین از آن استفاده می‌کند. فرد با این ارزیابی می‌تواند مشخص کند آیا نقش خود را به درستی ایفا کرده است یا نه؟» (بروس کوئن، ۱۳۷۰: ۶۸، به نقل از شمس‌اله مریچی، ۳۷).

۹- ایجاد تفکر بسیجی با استراتژی نوین دفاعی

تفکر بسیجی که از ایدئولوژی‌های کارآمد فرهنگ عاشورا بوده است در مدرسه عشق رهبر بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام راحل (ره) عینیت یافت و تربیت‌یافتگان این مدرسه، زیباترین حماسه‌ها را در تاریخ رقم زدند و امروز قداست و طهارت بسیج مرهون ایثار و شهادت طلبی‌های شهدا و بسیجیان مخلص دوران دفاع مقدس است. امروزه استراتژی‌های دفاعی و تهاجمی بر اساس مبانی کلاسیک و علوم نظامی تعریف می‌شوند؛ اما در دفاع مقدس، دنیا با شکلی از دفاع مواجه شد که نیروی انسانی و اراده درونی او نقش اول را در دفاع داشت.

عنصر ایمان و عشق به خدای متعال، امروزه مقوله‌ای است که در محافل علمی و نظامی جهان به عنوان یک استراتژی نوین مورد مطالعه است (لاریجانی، ۱۳۸۸: ۳۲۵).

«مصطفی در دوران کودکی و بزرگسالی، پرده خوان عاشورا بود. در کودکی همسالان خویش را در مدرسه جمع می‌کرد و از عاشورا برای آنان می‌گفت و این تاریخ را یکبار دیگر در جبهه‌ها زنده کرد با حماسه‌ای خونین چونان عاشورا. او پرده خوان عاشورا بود که خود پرده از حجاب‌های دنیوی برداشت و به سراپرده حقیقت پیوست. از کربلاییان بود و به آنان ملحق شد».

آموزه‌های او همه در مدرسه حقیقت و شهادت یعنی در مکتب آقا ابا عبدالله (علیه‌السلام) بود. استادی جز حسین (علیه‌السلام) نداشت و چه خوب شاگردی بود.

«مصطفی کلهری» امیر خط‌شکن گردان سیدالشهدا (علیه‌السلام) لشکر ۱۷ علی‌ابن ابی‌طالب (علیه‌السلام) بود (امیر خط‌شکن، یادنامه فرمانده گردان سیدالشهدا، شهید مصطفی کلهری، ۱۱۳).

بنابراین تفکر بسیجی که تبلور اطاعت صادقانه از مقام ولایت است، در دوران دفاع مقدس از زیباترین جلوه‌ها و نمادها برخوردار بود؛ به ویژه در شهرهای جنگی، که زن و مرد و کودک و جوان را به مقاومتی اعجاب‌انگیز در سایه ولایت فقیه واداشته بود، و آنچه که حقیقتاً دشمن را درمانده کرد، حیرت و سردرگمی در شناخت تفکر بسیجی بود (لاریجانی، ۱۳۸۸: ۳۴۶).

از میان هزارها صحنه مقاومت حیرت‌انگیز، به خاطره‌ای از شهید حاج مهدی زین‌الدین (فرمانده دلاور لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب (علیه‌السلام)) بسنده می‌کنیم که گفت:

«در شهر هویزه یک پیرمرد، دو پیرزن و دو پسر بچه ده ناله ساکن بودند. پرسیدم چرا نرفتید؟ گفت: جوان‌ها مون با حسین علم‌الهدی رفتند، ما موندیم؛ هم دهن کجی به عراقی‌هاست و هم دلگرمی بیشتر بچه‌ها... صدای جیبی بلند شد؛ پیرمرد مرا در اتاق مشرف به خیابان مخفی کرد. سرگرد عراقی پیاده شد و به پیرمرد گفت: «رئیس شما از این پس صدام است؛ [امام] خمینی (ره) را فراموش کنید». یکی از دو پسر بچه جلو آمد و گفت: «بابام با حسین علم‌الهدی رفته با شما بجنگه، این عکس امام (ره) را هم او به من داده». سرگرد عکس را گرفت و پاره کرد و گفت: امام خمینی (ره) را فراموش کنید. بچه پاره‌های کاغذ را جمع کرد و بوسید و تفی به صورت او انداخت. سرگرد گلوله‌ای به سر او شلیک کرد و شهید شد. پسر دومی جلو آمد. چون شهادت او هم حتمی بود، از پنجره با رگباری سرگرد و همراهش را هلاک کردم؛ بلافاصله دو پیرزن و پیرمرد و پسر بچه را سوار جیب عراقی کردم و از شهر دورشان نمودم (چهل خاطره، ۱۳۷۸: ۲۷).

۱۰- سد محکم و مرصوص در مقابل کفار

مقاومت و صبر در برابر مشکلات:

امام حسین (علیه السلام) در شکیبایی نیز نمونه بودند و در همه مراحل به شکیبایی سفارش می کرد. او به هنگام آخرین وداع با خاندانش، آنان را توصیه به صبر کرد و ضمن اندرز حکیمانه آنان را از وارد آوردن خراش و صدمه بر چهره و پاره کردن گریبان و جزع و بی تابی نهی فرمود؛ ولی از گریه بازمان نداشت. آری! تنها از دخترش خواست تا پدر زنده است نگرید و قلب او را شعله‌ور نسازد و فرمود:

لَا تُحَرِّقِي قَلْبِي بِدَمْعِكَ حَسْرَةً
وَ إِذَا قُتِلْتُ فَأَنْتِ أَوْلَى بِالذِّی
مَا دَامَ مَنِّي الرُّوحُ فِي جُثْمَانِي
تَأْتِينَهُ يَا خَيْرَةَ النَّسْوَانِ

آری! شکیبایی امام حسین (علیه السلام) به گونه‌ای بود که فرشتگان آسمان را شگفت زده کرد. بر وضعیت او بیندیش و شرایط سخت او را در نظرت ترسیم کن. آنگاه که با زخم‌های بی‌شمار و فرق شکافته و پیشانی شکسته و سینه در هم کوبیده و سوراخ شده از تیر سه شعبه بر ریگ‌های تفتیده نینوا افتاده است و در همان حال تیرهای ستم در گلو و حلق و گردنش فرو نشسته، زبان از شدت عطش و بسیاری حرکت، مجروح و جگر شعله‌ور و لب‌ها خشک است، قلب مبارکش از سوئی با دیدن انبوه شهیدان بر خون طپیده‌اش سوخته و از دگر سو، با نظاره پسر خاندان محاصره شده‌اش، سخت بریان و در تب و تاب است. دست مبارک با ضربت شقاوت پیشه‌ای قطع و نیزه‌های بر انتهای پایش نشسته و محاسن و سر و صورت به خون آغشته است. در همان شرایط از یک طرف فریاد دادخواهی خاندانش را می‌شنود و از طرف دیگر صدای شادمانی و شماتت دشمنانش را، چون چهره از خاک بر می‌دارد و دیده به این سو و آن سو می‌گشاید؛ پیکرهای به خون آغشته‌ای را می‌نگرد که در کنار هم چیده شده‌اند؛ ولی با همه این پیشامدهای سهمگین و مصائب بزرگ و طاقت‌فرسا، چون کوهی ثابت و استوار بر موضع بسر حق و قهرمانه‌اش ایستاده است، نه آهی می‌کشد نه دریغی می‌دارد و نه یک قطره اشک ضعف، در برابر دشمن می‌ریزد و تنها زیر لب زمزمه دارد که:

صَبْرًا عَلَي قَضَائِكَ يَا رَبِّ، لَا إِلَهَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ... (عزیزی، ۷).

بنابراین از دیگر مصادیق عینی پیروی از حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)، ایجاد بنیانی مرصوص و ستونی محکم در برابر هجوم و تجاوز دشمنان اسلام است. آن‌ها با جهاد و

شهادت خود، راه بر نفود و هجوم غاصبانه مستکبرین و بیگانگان از خدا غافل، بر بستند. قرآن کریم در سوره صف می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ» (سوره صف، آیه ۴). شهدا با اهداء حیات خود، بنیان مرصوسی را پی افکندند که برای سالیان متمادی، مقاوم خواهد ماند. ستون مستحکمی بر پایه ایمان و ایثار و سدی که در پشتش خون‌های مقدس شهدا خوابیده، هیچگاه متزلزل نخواهد شد.

رفته بودیم برای عملیات، که با مانع سیم خاردار برخورد کردیم و نتوانستیم معبر را باز کنیم، با تمام این اوضاع و احوال، عملیات می‌بایست انجام می‌شد. مسئول دسته، برادران را جمع کرد و نظرخواهی کرد و به این نتیجه رسید که یک یا دو نفر باید روی سیم خاردار بخوابند و دیگران از روی او رد شوند. همه برادران رزمنده برای خوابیدن بر روی سیم خاردار داوطلب شدند، و مسئولشان ۲ نفر را انتخاب کرد. آن دو نفر به جای این که به پشت بر روی سیم خاردار بخوابند تا درد کمتری بکشند، با صورت بر روی سیم‌ها خوابیدند. وقتی از آن‌ها سؤال کردند که چرا به صورت، روی سیم خاردار خوابیده‌اند؟ گفتند: برای این که بچه‌ها نگاهشان به صورت‌مان نیفتد تا خجالت بکشند.

وقتی که همه رزمندگان رد شدند، تکه‌های گوشت آن برادران را از لای سیم خاردار در می‌آوردند. «الله اکبر!» (خاطره از شهید زین الدین، چهل خاطره ۲۸).

۱۱- شناسایی و شناساندن دقیق هدف

فرهنگ حسینی (علیه‌السلام) آشکارا هدف را برای دیگران مشخص کرده و پرده‌های ابهام و تردید را کنار زده و به عالمیان، انتخاب هدف خود را اعلان کرده است. برای همه کسانی که با شهدا و رهروان پاک امام حسین (علیه‌السلام) آشنایی داشته‌اند و یا از قبل از آن‌ها را نمی‌شناخته‌اند، دیگر جای شکی باقی نمی‌ماند که شهیدان، آگاهانه و عاشقانه، به جستجوی هدف مقدس خود، تلاش کرده و با وجودی که خود، از قبل می‌دانسته‌اند که سرانجام شهادت یا اسارت و نقص عضو است، آگاهانه و مشتاقانه، به سوی شتافتند و شربت شهادت را سر کشیدند. بنابراین جانفشانی‌های رزمندگان اسلام خدمتی دیگر را برای پیروان اسلام متجلی ساخته و آن، شناخت صحیح هدف و چگونگی نیل به آن است. وجود شهید تعیین‌کننده مرز حق و ناحق است. آنان، مردم را از وضعیت‌های موجود، آگاه ساختند و با جاری ساختن خون مقدس

خود، به دیگران آموختند که بهترین سلاح برای شکوفایی استعداد و توانایی‌های مبارزه با جهل و ستمگران، شهادت است.

۱۲- سمبل جوانمردی، ایثار و آزادگی

از ویژگی‌های برجسته و انسانی حضرت امام حسین (علیه‌السلام)، آزادگی و ظلم‌ستیزی و ستم‌ناپذیری بی نظیر اوست. پرهیز همیشگی از خواری و ذلت، به عبارتی دیگر زیر بار زور نرفتن را نه تنها در کلام امام (علیه‌السلام) که در سیره حیات آن بزرگوار می‌توان یافت.

- «هَيْهَاتَ مَنَا الذَّلَّةَ» «ذلت و خواری از ما به دور است» (اللّهوف، ۹۷).
- «مَوْتُ فِي عَزِّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلِّ» «مرگ با عزت از زندگی در ذلت برتر است» (بحار الانوار ۱۹۱/۴۴).

او به راستی نه تنها قهرمان سازش‌ناپذیر در برابر ستم و قلدری و شقاوت و استبداد بود، بلکه بنیانگذار این شیوه آزادمنشانه و انسانی است که تمامی آزادی‌خواهان و ستم‌ستیزان و مبارزان راه عدالت، باید به آن قهرمان حریت و رهایی، تأسی جویند.

برای نمونه: آن گرمی بود که در بحران تاخت و تاز افسار گسیخته استبداد سياهکار اموی و به هنگامی که در سر دو راهی سازش با ظلم و جور، استبداد، استعمار و یا رویارویی و تاریخ‌ساز و شهادت پر افتخار قرار گرفت، قهرمانانه خروشید که: «نه! هرگز چنین نخواهد شد و حسین زیر بار ذلت نخواهد رفت...».

این منشور رهایی بخش و ستم سوز و جاودانه را برای همگان به یادگار نهاد که: «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بَيْدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أُفِرُّ فِرَارَ الْعَبِيدِ» «نه! به خدای هستی سوگند که، نه ذلیلانه دست بیعت بر دست تجاوزکاران خواهم نهاد و نه همانند بردگان از میدان جهاد، خواهم گریخت» (عزیزی، ۳۲).

امام حسین (علیه‌السلام) سمبل جوانمردی و آزادگی است و جلوه‌های بارزی از این صفت ارزشمند در روز عاشورا از او پدیدار شد که شگفت‌انگیز است. از آن جمله: سیراب ساختن دشمن در آن شرایط سخت بیابان، رضایت ندادن به یاری رسانی لشکر جنیان. و دیگر اجازه ندادن به کشتن ناگهانی عناصر پلیدی چون شمر، که پیش از برخورد دو سپاه در تیررس یکی از یارانش قرار گرفته بود که امام (علیه‌السلام) فرمودند: «لا ترمه فانی لا ابداء بالقتال» یا همچنین:

«ان لم یکن لکم دین، و کنتم لا تخافون المَعاد، فکونوا احراراً فی دنیاکم»، اگر دین ندارید و از روز جزا نمی‌هراسید در دنیای خود آزاده باشید (بحارالانوار، ۶۵/۵۱ به نقل از عزیزی: ۳۹). در عملیات کربلای ۵ امدادگر بودم. در همین عملیات دو مجروح را دیدم که بر زمین افتاده بودند. بالای سر یکی از آن‌ها رفتم که هفت ترکش خورده بود. خواستم زخم‌هایش را ببندم که دیدم با چشمانش به برادر مجروح دیگری اشاره می‌کند و منظورش این است که برو به او برس. وقتی بالای سر برادر مجروح دیگر رفتم او نیز گفت: «اول جراحات برادرم را ببند و بعد زخم مرا». مانده بودم چه کنم... عاقبت به سوی برادر اول که جراحات بیشتری داشت رفتم و زخم‌هایش را بستم. وقتی کارم به پایان رسید، متوجه شدم که مجروح دیگر به شهادت رسیده است (خاطرات کوتاه از عملیات‌های بزرگ: ۱۳).

۱۳- عزم راسخ در امر به معروف و نهی از منکر

سیره حضرت رسول (ص) و اولیاء الله امر به معروف و نهی از منکر است. «أریدُ أن أمرَ بالمَعروفِ و أنهی عن المنکرِ و أسیرُ بِسیرةِ جدّی و أبی علی بن ابی الطالب (علیه السلام)» (مناقب ابن شهر آشوب، ۸۹/۴)

«می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کرده و به سیره و روش جدم (رسول الله ص) و پدرم علی ابن ابی الطالب (علیه السلام) عمل کنم».

«لاینبغی لِنفسِ مؤمنه تری من یعصی اللهَ فلا تُنکرَ»، (مناقب ابن شهر آشوب ۸۹/۵) «برای مؤمن شایسته نیست که ببیند کسی خدا را معصیت می‌کند و از آن نهی نکند».

علل قیام و زمینه وقوع نهضت عاشورا روشنگر هدف امام از قیام است. به عبارتی بهتر وصیت نامه امام حسین (علیه السلام) به برادر خود (محمد بن حنفیه) منشور نهضت کربلاست. امام (علیه السلام) به صراحت آشکاری اصلاح امت و امر به معروف و نهی از منکر و زنده نگهداشتن و پاسداری از سیرت رسول الله (ص) را هدف اصلی نهضت خود می‌داند. مرحوم شهید استاد مرتضی مطهری (ره) در کتاب ارزشمند خود «حماسه حسینی» مهم‌ترین فلسفه قیام امام حسین (علیه السلام) را امر به معروف و نهی از منکر ذکر می‌کنند.

در اینجا به ذکر مواردی از معروف مؤکد اکتفا می‌شود:

الف - اقامه نماز:

زیباترین نوع عبادت و پرستش خدای متعال است. نماز خالصانه و از روی نیاز، در تحول حالات انسان بسیار مؤثر است، و از طرفی عمود خیمه ایمان محسوب می‌شود؛ چنان که مولای متقیان علی (علیه السلام) فرمودند:

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ» «خدا را خدا را درباره نماز، که نماز عمود خیمه ایمان شماست» (نهج البلاغه: نامه ۹۷).

به همین دلیل، خدای متعال بندگانش را به اقامه و برپا داشتن نماز فرمان داده است. البته صرف خواندن و قرائت کردن، با برپایی و استواری حقیقت نماز در جامعه متفاوت است؛ چنان که در قرآن کریم می‌فرماید:

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» «مراقبت کنید بر انجام نماز، به ویژه نماز وسطی (ظهر و عصر)، و از بر پادارندگان نماز باشید» (سوره بقره، آیه ۲۳۸).

رزمندگان ما از مصادیق روشن برپا دارندگان فرهنگ نماز بودند و با اقامه نماز در سنگرها و یا بر روی خاک داغ جبهه‌ها، نه تنها نسیم عبودیت را بر کالبد کم رمق ما می‌دمیدند، بلکه بدین وسیله به خدا تقرب می‌جستند، و بهترین وسیله برای تقرب به خدا را نماز با حضور قلب و عاشقانه می‌دانستند؛ چنان که مولای متقیان علی (علیه السلام) فرمودند: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلِّ تَقِيٍّ» «نماز، تقرب تقوا پیشگان است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶).

در عملیات کربلای دو، محمود کاوه، فرمانده لشکر پنجاه و پنج ویژه شهدا، کار عجیبی کرد. نیروهای خط‌شکن را که جلو فرستاد، آمد و نمازی دو رکعتی را اقامه کرد. بعد از نماز گفت: «این نماز را فقط به دو دلیل خواندم، اول برای پیروزی بچه‌های خط‌شکن و بعد...» یکی از بچه‌ها پرسید: «بعد چه؟» گفت: «دلم می‌خواهد اگر خدا لایقم بداند، این نماز آخرین نمازم باشد». و خدا لایقش دانست. شهید محمود کاوه در همان عملیات شهید شد (شاه‌رضایی، ۱۳۸۷: ۹۶).

توی فاو بودیم؛ در عملیات والفجر هشت شب سختی را گذرانیدیم. دشمن آتش بارانمان می‌کرد. من و دو نفر دیگر از بچه‌ها نماز نخوانده بودیم. دنبال جایی برای خواندن نماز می‌گشتیم. سنگری را گیر آوردیم پر از نیرو. مجبور شدیم تک تک برویم آنجا، بایستیم به خواندن نماز. نمازمان را که خواندیم، از سنگر بیرون زدیم. در غرب رودخانه اروندرود به یک مجروح برخوردیم. خوابیده بود توی قایقی، می‌خواست برود آن طرف رود. توانایی‌اش

را نداشت. نگاه به هم کردیم؛ تصمیم گرفتیم هر جا که می‌خواهد، ببریمش. سوار قایق شدیم؛ زدیم به آب. سکوت عجیبی بود. میان رودخانه بودیم که گفت: «من هنوز نماز نخوانده‌ام». گفتیم: «با این زخم‌ها و تن و بدن چطور می‌خواهی نماز بخوانی؟» می‌خواستیم مانع خونریزی‌اش شویم. گفت: «چیزیم نیست. چند تا زخم کوچولو است، زیاد عذابم نمی‌دهد» و بلند شد ایستاد و نمازش را ایستاده در قایق خواند(شاه رضایی، ۱۳۸۷: ۹۵).

ب- الفت و انس با قرآن:

روایت شده که امام حسین (علیه السلام) نسبت به قرآن عنایت بسیار زیادی داشتند. یکی از تمجیدهایشان درباره حبیب بن مظاهر این است که می‌فرمایند: «لقد كنت فاضلاً تختم القرآن في ليلة واحدة». در یک شب قرآن را ختم می‌کردی. این باعث عزت و افتخار است. انیس روز و شب رزمندگان در جبهه‌ها بعد از خدای متعال، قرآن کریم بوده است. رزمندگان با شوق تلاوت قرآن و تفکر در معانی آیات آن، حقیقت این آیه را عینیت بخشیدند که: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ».

به راستی که قرآن، دستورالعمل سیر و سلوک رزمندگان بوده است. چه بسیار شهیدانی که خون پاکشان بر صفحات قرآن همراه آنان، نقش بست، و به راستی که مصداق این کلام نورانی مولای متقیان بودند که فرمود: «تَاللَّيْلِ لَأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً. يُحْزِنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَ يَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ» «قرآن را بخش بخش، همراه با تأنی و تفکر و با ترتیل قرائت می‌کنند و بر اثر تعمق در آیات آن، دل‌هایشان محزون می‌شود و از این طریق، دردهای باطنی خویش را درمان می‌کنند» (نهج البلاغه، حکمت ۷۲).

ج - برخورداری از ایمان و اخلاص در عبادت

امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ شَيْعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غَشٍّ وَ غَلٍّ وَ دَغَلٍّ»؛ «همانا شیعه ما کسی است که قلبش از هرگونه آلودگی و نا پاکی و خیانت پاک باشد» (تهذیب ۳، ۷۲). یاران امام حسین (علیه السلام) یارانی پاک و خالص و با صفا بودند و در بعد ایمان، استوار و قوی بودند و جوهره اصلی ایمانشان در روز عاشورا هویدا گشت تا آنجا که با چه استواری و عشقی به پیش رفتند و تا آخرین نفس بر ایمان و اخلاص خود باقی ماندند. در مقام عبادت

نیز همه از عابدان و بندگان خالص خدا بودند، همه اهل نماز شب، اهل تلاوت قرآن، اهل ذکر و مناجات و دعا و در پیشگاه خداوند متعال کاملاً خاضع و خاشع بودند تا بدان جا که در وسط جنگ در روز عاشورا در میان تیرها و نیزه‌ها در میدان کربلا به نماز جماعت ایستادند. ایشان هرچه داشتند از نیرو و اخلاص با تمام وجود جنگیدند و هدفشان جز رضای خدا و فداکاری در راه ولی خدا هیچ چیز دیگر نبود.

رزمندگان ودلیر مردان صحنه‌های مبارزه ایران اسلامی از دوران انقلاب گرفته تا دوران طلایی دفاع مقدس همه و همه با اخلاص در عمل و امید به نصرت از جانب پروردگار از دشمن ودشنة نهراسیدند و لحظه‌ای از مبارزه دست نشستند. شهدای بزرگوار دوران طلایی دفاع مقدس با آثاری که از خود بر جای گذاشته‌اند، از جمله وصیت‌نامه، نامه‌ها، نوشته‌ها و یا خاطراتی که توسط دوستان و آشنایان از آنان بیان می‌شود، فیلم‌ها و تصاویری که از آن‌ها ضبط شده است و هر چیزی که یادآور اخلاص، اعمال و گفتار آن‌ها باشد، خود درس‌هایی بزرگ از اخلاق و مکارم رفتاری را به مخاطبین و نسل بعد از آن‌ها (حال و آینده) انتقال می‌دهند.

یکی از شهدا در وصیت‌نامه‌اش آورده است: «فقط شعار ندهید، شعارهایتان همراه با عمل و آن هم عمل مخلصانه و صادقانه به خاطر خدا باشد. همیشه دعا بخوانید، دعای کمیل را هر چه با شکوه‌تر بجا آورید و سنگر نماز جمعه را خالی نگذارید. تا می‌توانید نمازهایتان را به جماعت بخوانید، دوستان خوبم، اخلاق اسلامی را در همه جا رعایت کنید و همیشه به یاد خدا باشید و به خداوند توکل کنید» (لاریجانی، ۱۳۸۸: ۲۸).

۱۴- پاسداری از نظام مقدس اسلامی

هم چنان که عاشوراییان با اهدای بالاترین موهبت هستی خود به حراست از آیین پاک نبوی رسول الله اعظم پرداختند، رزمندگان و مبارزین عاشق و شورآفرین ایران اسلامی از بسیجیان ساده و صادق گرفته تا پاسداران حریم حرمت نظام و ارتشیان مقتدر و بی‌باکی که ره به سوی یارشتافتند در مسیر محافظت از دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی دریغ نکردند. در واقع پاسدار حرمت خون شهدا با رعایت اصل عزت و اقتدار و درایت است. بر این اساس دو نوع زندگی خواهیم داشت: زندگی ذلیلانه و زندگی عزتمندانه. زندگی عزتمندانه در پرتو پذیرش ولایت خدا و اولیاء و زندگی ذلیلانه در پرتو پذیرش ولایت کفر و شرک و دشمنان خداست همراهی و دوستی

با دشمنان خدا نیز ذلت و خواری است. بر همین اساس قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (سوره ممتحنه، آیه ۱).

ای مؤمنان، دشمن من و دشمن خود را به ولایت بر نگیرید. آری امام حسین (علیه السلام) در دامن پدر و مادری تربیت شده است که مرگ با عزت را زندگی، و زندگی با ذلت را عین مرگ می‌دانست «فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۵۱). آن بزرگوار در جای دیگری می‌فرماید: «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الذَّلِيلِ وَلَا أُفِرُّ فِرَارَ الْعَبِيدِ»؛ «به خدا سوگند همانند افراد فرومایه تسلیم شما نمی‌شوم و مانند بردگان نیز فرار نمی‌کنم» (بحارالانوار، ج ۴۴: ۱۹۱).

بنابراین علاوه بر تسلیم شدن در برابر خواسته‌های خداوندی باید به دفاع و پاسداری از نظام مقدس اسلامی ادامه داد تا آن موقع که جان در کالبد فوران می‌کند به قول امام (ع): «این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم»؛ و این وصیت رهبر خودباور جامعه است که «انتظار نداشته باشید از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف، که همان اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است، کمک کند. خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد، قیام کنید». فلذا سیاستمدار الهی از قدرت‌های استکباری هرگز نمی‌هراسد. اما سیاستمداران حرفه‌ای در مبارزه دو گروه با یکدیگر بر توازن قوا تأکید می‌کنند و از درگیری مبارزان با دشمنی که از جهت عده و عده برتر است. برحذر می‌دارند و آنان را به سکوت و گوشه‌گیری فرا می‌خوانند. روشنفکران آن زمان نیز امام حسین (علیه السلام) را از درگیری با یزید که تا بن دندان مسلح بود برحذر می‌داشتند، اما منطق آن بزرگوار چیز دیگری بود. او و دیگر عاشوراییان از ایستادگی در برابر یزید و حکومت اموی هرگز تردیدی به خود راه ندادند و با ایثار جان خود درخت اسلام را آبیاری کردند. (مجموعه مقالات کنگره سرداران شهید استان اصفهان، لشکر ۱۴ امام حسین (علیه السلام) سال ۱۳۵۷).

۱۵- خدمت‌گذاران واقعی به اسلام و جامعه بشری

امام خمینی (ره) در خصوص شهادت چنین گفته‌اند: «اسلام، شهادت را برای خودش زندگی می‌داند، کسی که شهادت را زندگی ابدی دانست برای خودش در مقابل غیر می‌ایستد و آخر، نفس را می‌کشد و شهادت و شهادت، طلب می‌کند ... ما شهادت را یک فوز عظیم می‌دانیم و ملت ما هم شهادت را به جان و دل قبول می‌کند و از جنگ نخواهیم هراسید و مرد جنگ

هستیم... نهضت برای اسلام است و شهادت هم برای اسلام و آنچه که برای اسلام است شرف و عزت است» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۹۴).

بنابراین کسی که برای خدا و اسلام می‌جنگد، اسلامی که خیر خواه بندگان خداست، خدمتی شریف و عزیز از خود بر جای گذاشته است و فقط خداوند است که می‌تواند پاداش این خدمت والا را عطا کند. قرآن، مؤمنین را به پایداری در مقابل دشمن فرا می‌خواند و پاداش این فداکاری را پیروزی می‌داند. پیروزی بر دشمن و پیروزی و افتخارهایی در روز جزا «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه با فوجی از دشمن، مقابل شدید پیداری کنید و خدا را پیوسته یاد آورید، باشد که فاتح و پیروزمند گردید» و آنان که برای رضای خدا می‌جنگند و برای استواری دین قیام می‌کنند بالاترین درجات قرب خدا را کسب می‌کنند و همیشه در جوار رحمت حق آرمیده‌اند.

مدل مفهومی

مظاهر سبک زندگی اسلامی رزمندگان و شهدای دفاع مقدس



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این مطالعه با هدف بررسی و شناسایی مظاهر سبک زندگی اسلامی دفاع مقدس، جهت ارائه به فراگیران نظام‌های آموزشی انجام گرفته است. با تشریح مبانی نظری و تعاریف مفهومی و با استفاده از روش سند پژوهی، به بررسی آثار، نوشته‌ها و وصایای برجای مانده از رزمندگان و شهدای دوران دفاع مقدس، پرداخته شد و مدل مفهومی، ترسیم شد. با توجه به مدل مذکور و بررسی موضوع؛ مصادیقی از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

رزمندگان دوران جنگ تحمیلی مثل: پیروی از مکتب عاشوراء بصیرت و اطاعت از ولایت؛ شهادت طلبی در جهت پایداری آرمان‌ها؛ پرهیز از دنیاطلبی؛ فرهنگ‌سازی ایدئولوژیک؛ کسب عزت و استقلال برای جامعه اسلامی؛ استراتژی نوین دفاعی اسلامی؛ وحدت و همبستگی اجتماعی؛ و مقابله با ظالم و متجاوز - حمایت از مظلوم و معرفی فرهنگ مهدویت به عنوان مهم‌ترین مظاهر سبک زندگی اسلامی ایشان، معرفی و توضیح داده شد.

اما موضوع مهمی که در این زمینه قابل طرح و بررسی است، چگونگی ورود مفاهیم مذکور در محتوای کتب درسی است. محتوای برنامه‌های درسی می‌بایست با عنایت به نظر کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه‌های مربوطه و بر اساس اهداف کلی و مقطعی و انتظارات سند تحولی نوین آموزش، طراحی، تنظیم و اجرا گردد. مسئله‌ای که غیرقابل انکار است آن است که دفاع مقدس تنها محل ظهور و بروز یک سبک زندگی اسلامی نمونه در طول عمر ۳۹ ساله جمهوری اسلامی است و لذا این مقطع قابلیت و ابعاد فراوانی دارد که حتی می‌توان به هر کدام از ابعاد آن در یکی از کتاب‌های درسی پرداخت.

موضوعات کلانی که در حوزه دفاع مقدس باید به آن‌ها پرداخت عبارتند از:

- چیستی موضوعات دفاع مقدس
 - چگونگی شیوه‌های ورود به دفاع مقدس
 - رویکردهای اصلی در ورود به حوزه دفاع مقدس شامل رویکرد علمی، فلسفی و معرفتی است. علاوه بر این، باید از نگاه تک بعدی به حقیقت عظیم جنگ پرهیز کرد و نباید تنها به مفاهیم ارزشی و دینی معمول و عرفی جنگ که ورودی‌های غالب و شنیده‌های همیشگی دانش‌آموزان هستند اکتفا کرد. بلکه باید با وسعت دید و نوآوری در انتقال مفاهیم به پدیده جنگ نگریست. در این صورت نتایج زیر حاصل خواهد شد:
- دانش جدیدتری به دانش‌آموزان انتقال می‌یابد. تصور القای صرف مفاهیم اعتقادی از طریق مباحث جنگ اصلاح می‌شود. در دانش‌آموزان اعتماد بیشتری ایجاد می‌شود. تأثیر غیر مستقیم تربیتی اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال، می‌توان یک فصل مستقل در درس شیمی دوره دبیرستان درباره سلاح‌های شیمیایی و کیفیت ساخت این سلاح‌ها در کشورهای توسعه یافته در نظر گرفت. در این فعالیت نیاز به ارزش‌گذاری نیست و هدف آن می‌تواند دستیابی غیر مستقیم دانش آموز به نقش علم در معادلات سیاسی جهان امروز باشد. به عنوان مثالی دیگر، می‌توان

بخشی از معاهده ژنو درباره رفتار با اسراء و موارد نقض این معاهده در سال‌های جنگ را در درس زبان وارد نمود. علاوه بر این، دفاع مقدس باید به عنوان یک نمونه موفق در نظام اسلامی مدنظر قرار گیرد. نمونه ای که بسیاری از ویژگی‌ها و مشخصه‌های آن قابل الگوبرداری است. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: کار تیمی و گروهی، احترام به نظرات همه افراد حتی نیروهای جزء، شایسته سالاری، تعاون و همکاری، مسؤولیت پذیری و تقسیم کار، توکل در عین تلاش، برنامه‌ریزی بلندمدت، اطاعت پذیری از فرد با تجربه‌تر و عالم‌تر، حاکمیت علم و تجربه در روابط میان افراد، اعتماد به نفس، مقاومت در مقابل سختی‌ها برای دستیابی به پیروزی، مهارت‌های زندگی، نشاط و شادابی، جمع‌پذیری، مدیریت منابع انسانی، فداکاری و ایثار، ابداع در مدیریت، روش‌های رزم و نظایر آن، سربلندی و افتخار، استقلال و ایستادگی در برابر دشمن از بعد ملی، ایستادگی مقابل حرف فرمانده از بعد فردی، آمادگی، مقاومت، ظلم‌ستیزی، حذف سلسله مراتب اضافی، مهرورزی با طرف مقابل، رعایت عهدنامه ژنو، حماسه، وحدت و نظایر آن (قاضی، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که یکی از وظایف مهم سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی، تهیه محتوای مبتنی بر آموزه‌های دفاع مقدس و انتقال آن در کتب درسی است. البته برای ایجاد انگیزش و تشویق دانش‌آموزان به خواندن مطالب و درگیر شدن با فعالیت‌های پیشنهادی همچون تحقیق و پژوهش در سیره شهدا و رزمندگان دفاع مقدس، از روش‌های هنری جذاب مثل ارائه مطالب در قالب داستان‌های کوتاه استفاده گردد. در همین راستا استفاده از کلیپ‌ها و فیلم‌های مستند از روایت فتح رزمندگان اسلام و بازگویی خاطرات و سیره رفتاری و سبک زندگی ایشان در جذب فراگیران نظام آموزشی و تأثیر بر نگرش‌ها و رفتارهای دانش‌آموزان، بسیار مؤثر است.

نگارنده با توجه به تجارب ۲۵ ساله تدریس در مقاطع دبیرستان مرحله اول، دوم و مراکز دانشگاهی، به وضوح تأثیرات پخش این گونه فیلم‌ها و بازگویی خاطرات دوران دفاع مقدس را به صورت عینی و ملموس، مشاهده کرده است.

طرح پرسش‌های برنامه‌ریزی شده و پی‌ریزی زیر بنای بحث و گفت و گوی کلاسی و یا در منزل جهت دانش‌آموزان و اولیا در نیل به اهداف آموزشی و پرورش مهارت‌های ذهنی و عملی یکی دیگر از قالب‌هایی است که می‌توان به کمک آن دانش‌آموزان را نسبت به آگاهی و

یادگیری سبک زندگی رزمندگان دفاع مقدس، تشویق کرد.

گفتنی است، فعالیت‌های پیشنهادی کتب درسی در خصوص تعمیق و تدریس مفاهیم برگرفته از سبک زندگی رزمندگان دفاع مقدس، می‌بایست با هدف ایجاد رفتارهای مطلوب و بر مبنای جهان بینی توحیدی، صورت پذیرد و بالطبع از حیطه‌های شناختی درک و فهم، کاربست، تجزیه و تحلیل و ارزیابی برخوردار باشد.

امید آن که سبک زندگی رزمندگان و سیره شهدای دوران طلایی دفاع مقدس توسط صاحب نظران و برنامه‌ریزان محتوای کتب درسی بیش از پیش مورد توجه عینی قرار گرفته و نسل‌های آینده این مرزبوم از فرهنگ غنی و پویای اسلامی بیشتر آشنا شوند و جامعه به سوی پرورش مردمانی با جهت‌گیری‌های دینی - الهی نیل یابد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. صحیفه سجادیه
۴. مفاتیح الجنان
۵. امام خمینی (ره) (۱۳۷۸). صحیفه امام (نور) مجموعه آثار امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام
۶. بحار الانوار
۷. بروس، کوئن. (۱۳۷۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی ترجمه محسن ثلاثی، فرهنگ معاصر.
۸. تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک).
۹. تحف العقول.
۱۰. تهذیب شیخ صدوق.
۱۱. توسلی، غلام عباس (۱۳۹۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سمت، بهار.
۱۲. حتی، فیلیپ (۱۹۹۴). تاریخ العرب، بیروت انتشارات دارغندوز.
۱۳. حسن، ابراهیم حسن (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی اسلام ترجمه ابوالقاسم پاینده انتشارات جاویدان
۱۴. حر العاملی، محمد بن الحسین: وسایل الشیعه، منشورات مکتبه الاسلامیه.
۱۵. خربوطلی (۱۳۵۷). انقلاب اسلامی، ترجمه عبدالصاحب یادگاری، کانون انتشاراتی چهره‌اسلام.
۱۶. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی جامعه، شرکت سهامی انتشار.
۱۷. روزنامه اطلاعات
۱۸. روزنامه جمهوری اسلامی
۱۹. سایت پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس
۲۰. سایت الغدیر.
۲۱. سعیدی رضوانی، سعید (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی تاریخی قیام عاشورا، نشریه مشکوه، شماره ۷۹.
۲۲. عزیزی، عباس: فضایل و سیره امام حسین (ع) نمایه شده در سایت الغدیر.
۲۳. فرجی، مهدی؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). فصلنامه تحقیقات فرهنگی، بهار، شماره ۱.
۲۴. فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.
۲۵. قاضی، مرتضی (۱۳۹۰). آموزش و پرورش و دفاع مقدس، فصلنامه تخصصی نگین ایران،

- دوره ۱۰ شماره ۳۷.
۲۶. گیبینز، جان آر؛ و ریمر، ب (۱۳۸۱). سیاست پست مدرنیته، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات گام نو
۲۷. گیدنز، (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
۲۹. محدثی، جواد (۱۳۸۳). فرهنگ عاشورا، نشر معروف، قم، چاپ هفتم
۳۰. مریجی، شمس اله (۱۳۸۹). پیامدهای اجتماعی نهضت حسینی، مجله معرفت (نمایه شده در سایت مرکز کامپیوتری علوم اسلامی).
۳۱. مقرر، سید عبدالرزاق (۱۳۶۸). چهره خونین حسین، ترجمه عزیزاله عطاردی، انتشارات جهان اسلام
۳۲. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۸). آشنایی با دفاع مقدس، نشر خادم ارضا (ع) به اهتمام پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، تهران، چاپ دوم.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). پیرامون انقلاب اسلامی
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). حماسه حسینی جلد ۱ و ۲.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، قیام و انقلاب مهدی (عج)
۳۶. ولی پور زروچی، سید حسین (۱۳۸۴). هویت ملی و دفاع مقدس فصلنامه مطالعات ملی، ۲۳، سال ششم، شماره ۳.
۳۷. یادنامه شهید چمران (۱۳۷۱)، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

38. Simmel, G. (1990). *The Philosophy of Money*, Tom Bohomer & Pavid Frisby (Trans.), Second enlarged Ed., New York: Routledge.